

جایگاه و کارکرد قرارداد در حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی با تأکید بر قراردادهای بازار سرمایه

محمد رضا پنداشته پور^۱
محمد چلبی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

چکیده

بازار سرمایه به عنوان یکی از مهم ترین سازوکارهای مالی، از این حیث که آحاد جامعه در آن قابلیت فعالیت دارند، خصوصی است و از این حیث که به نظم عمومی اقتصادی مربوط می شود دارای بعد عمومی است. وجود جنبه عمومی؛ چه در خصوص قرارداد به طور عام و چه در خصوص قراردادهای بازار سرمایه به طور خاص موجب می شود مساله امنیت عمومی نقش پررنگی در این حوزه داشته باشد. اهمیت این پژوهش از آنجاست که ورود دولت ها به بازار سرمایه، سیاست های خصوصی سازی، بحران های مالی، تحریم ها و نهایتاً گسترش روز افزون مفاهیم اقتصادی در میان اقشار مختلف جامعه سبب می شود تا مفهوم امنیت نیز از معنای سنتی خود فراتر رفته و ابعاد جدیدی مانند امنیت اقتصادی، امنیت حقوقی، امنیت قضایی نیز در جای خود مورد کنکاش قرار بگیرد. هدف این تحقیق دستیابی به مدل مطلوب و کارآمد قرارداد در بازارهای سرمایه با مؤلفه حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی می باشد.

برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در قراردادهای بازار سرمایه از روش فراترکیب، برای شناسایی متغیرهای توسعه و حفظ امنیت اقتصادی از روش تحلیل محتوا و برای ارائه مدل به صورت کمی از روش معادلات ساختاری و در نهایت جهت ارائه مدل بعد از شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر قراردادهای بازار سرمایه و توسعه، رشد و حفظ امنیت اقتصادی از روش مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده گردید. با توجه به مجموع نتایج حاصل شده از مدل تحقیق، مؤلفه های عوامل سازمانی، عوامل اقتصادی و عوامل نوآورانه بر قراردادهای بازار تأثیر دارند و این سه مؤلفه علاوه بر اینکه بر یکدیگر تأثیرگذاری متقابل دارند تحت تأثیر عوامل حاکمیتی هستند.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، قرارداد، بازار سرمایه، معادلات ساختاری، فراترکیب.

^۱ دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق (پدیس فارابی)، دانشگاه تهران، قم، ایران. نویسنده مسئول.
(Pendashtheppoor@ut.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکترای حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.
(mchalabi110@gmail.com)

۱. مقدمه

امروزه امنیت، شکل خود را در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... نشان می‌دهد. حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی در جامعه‌ی امروزه آن‌چنان اهمیت دارد که می‌تواند ضامن بقای حکومت‌ها و دولت‌ها باشد. در صورتی که امنیت اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی تأمین نگردد، می‌تواند زمینه تضعیف نظام اقتصادی یک جامعه را در پی داشته باشد و در صورتی که تدابیر لازم در این خصوص سنجیده شود، قادر به مشاهده جامعه‌ای امن خواهیم بود.

غالب معاملات اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار سرمایه بر پایه قراردادهایی است که میان آن‌ها تنظیم می‌گردد. در صورتی که این قراردادها به گونه‌ای کارا تنظیم گردد که ضمن حفظ و احترام به اصل آزادی اراده اشخاص، به حمایت از حقوق اشخاص ثالث و جامعه نیز بپردازد، شاهد افزایش امنیت اقتصادی میان فعالان بازار سرمایه خواهیم بود. این پژوهش، ضمن مطالعه مفاهیم موجود در علم حقوق و بازار سرمایه به دنبال بررسی تأثیر قراردادهای بازار سرمایه در امنیت اقتصادی است تا با ارائه اصول پیشنهادی حاکم بر این قراردادها، به حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی کمک نماید.

این مقاله به صورت نظری بوده و با مطالعه و تجزیه و تحلیل نظریات درصدد دستیابی به مدل قراردادی متناسب با ساختار اقتصادی و حقوقی کشور می‌باشد. بر این اساس این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع آن از یک سو بنیادین و از سوی دیگر با توجه به مسأله امنیت اقتصادی در قرارداد کاربردی می‌باشد.

پژوهش حاضر به منظور دستیابی به مدل مطلوب و کارآمد قرارداد در بازارهای سرمایه با مؤلفه‌ی حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی صورت گرفته است تا ضمن شناخت بهتر بازار سرمایه، با رعایت اصول و قواعد حقوقی، قراردادهای کارتری در بازار سرمایه شکل بگیرد و بالتبع امنیت اقتصادی کشور عزیزمان ایران حفظ و ارتقاء یابد. در واقع پژوهش با توجه به اصل پذیرفته شده آزادی قرارداد در حقوق خصوصی و لزوم دخالت نهادهای نظارتی در روابط اقتصادی؛ به دنبال یافتن ویژگی‌های قراردادهای بازار سرمایه به گونه‌ای که باعث حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی گردد می‌باشد. همچنین عوامل مؤثر بر توسعه و امنیت اقتصادی در حوزه قرارداد در بازارهای سرمایه را مشخص کرده و با تکیه بر مفهوم امنیت اقتصادی، میزان نقش تنظیم‌گری دولت در حوزه قراردادهای بازار سرمایه را بررسی می‌کند و سپس مؤلفه‌های یک قرارداد متناسب (با تأکید بر امنیت اقتصادی) در بازار سرمایه را معرفی می‌کند.

قلمرو مکانی پژوهش حاضر، کشور ایران و قلمرو زمانی آن شامل مناسبات دو دهه اخیر ایران می‌باشد؛ به لحاظ موضوعی نیز شامل بازارهای سرمایه خصوصاً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس اوراق بهادار می‌باشد.

در این پژوهش ابتدا به تعیین و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قراردادهای مالی بازار سرمایه با استفاده از روش فراترکیب و سپس به تعیین و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حفظ امنیت و توسعه اقتصادی با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته شده است. اولویت‌بندی متغیرهای تأثیرگذار بر قراردادهای مالی بازار سرمایه و متغیرهای حفظ امنیت و توسعه اقتصادی با استفاده از پرسشنامه و با به کارگیری رویکرد AHP فازی و نرم‌افزار EXPERT CHOICE انجام شده است. سطح‌بندی عوامل مؤثر تأثیرگذار قراردادهای بازار بر حفظ امنیت

و توسعه اقتصادی با استفاده از رویکرد مدلسازی توصیفی ساختاری و تجزیه و تحلیل کمی و برآزش نهایی مدل با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری انجام شده است. در واقع ابتدا به شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در خصوص نقش قرارداد در حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی با استفاده از روش‌های مطرح شده پرداخته شده و در ادامه به اولویت‌بندی متغیرها می‌پردازد. مدل قرارداد دارای اثر بخشی در حفظ و ارتقا امنیت اقتصادی ارائه داده شده است و در نهایت الگویی را که تا این مرحله به دست آورده در بوته آزمون قرار داده و اعتبار آن، مورد سنجش قرار داده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

به منظور شناخت صحیح و بررسی همه جانبه موضوع مورد بحث، ضروری است اولاً مفهوم سرمایه تعریف شود و پس از آن با بررسی سیر تاریخی و روند تشکیل این بازار در درون ساختار بازارهای مالی موجود در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، به بررسی درستی از ابعاد حقوقی بازار سرمایه پرداخته شود تا بتوان جایگاه قرارداد در حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی بازار سرمایه را با دقت هرچه تمام‌تر تبیین نمود. سرمایه از عناصر اساسی تولید می‌باشد و عبارت است از مالی که از آن منفعتی حاصل می‌شود که در بیشتر مواقع آن را بر حسب پول بیان می‌نمایند. برای اولین بار آدام اسمیت در اقتصاد، متوجه اهمیت بسیار بالای سرمایه در تولید شد. از نظر دانش اقتصادی، سرمایه به کلیه مواد و اشیایی که انسان برای مصرف فوری و رفع نیازهای ضروری خویشتن استفاده نمی‌کند و برای تولید ثروت جدید به کار می‌برد، گفته می‌شود (بورديو^۱، ۱۹۸۶: ۱۵).

۲-۱-۱. مفاهیم اصلی بازار سرمایه

برای شناخت بازار سرمایه، ابتدا ضروری است ضمن اشاره به تقسیم کلی بازار به دو دسته مالی و اقتصادی، معنا و مفهوم عبارت «بازار مالی» را به دقت بررسی نمود. این مفهوم از دو عبارت «بازار» و «مالی بودن ماهیت آن» تشکیل شده است که تعریف هر کدام از این عبارات برای تمیز آن‌ها از مفاهیم مشابه حائز اهمیت بسیار است.

در تعاریف اولیه از بازار، آن را به مکانی فیزیکی تعریف می‌نمایند که در آن خریداران و فروشندگان (عبارتند از اشخاص حقیقی و حقوقی) برای داد و ستد و مبادله کالا و خدمات دورهم جمع می‌شوند. اما در تعاریف جدید و با گسترش سیستم‌های الکترونیک، دیگر نیازی به حضور فیزیکی در بازار نبوده و مکان خاصی برای بازار نمی‌توان متصور بود. لذا بند نخست ماده ۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز همگام با تحول مفهوم «بازار»، آن را چنین تعریف می‌نماید: «به فضایی جغرافیایی یا مجاری اطلاق می‌شود که در آن خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات مشابه یا جانشین نزدیک را مبادله می‌کنند».

^۱ Bourdieu

درخصوص بخش دوم این عبارت، یعنی مالی بودن ماهیت آن، رویکرد کلی در تقسیم سیستم اقتصاد یک کشور بدین صورت است که آن را به دوی بخش «واقعی» و «مالی» تفکیک کرده و چنین تعریف می‌شوند: بخش واقعی همانطور که از نام آن پیداست دارای ماهیت فیزیکی و مادی بوده و دارایی‌های موجود در آن نیز دارای ماهیت فیزیکی و ملموس می‌باشند مانند اتومبیل، املاک و مستغلات، وسایل منزل و درحالیکه بخش مالی به‌عنوان زیرمجموعه‌هایی از نظام اقتصادی است که در آن وجوه، اعتبارات و سرمایه در چارچوب قوانین و مقررات مشخصی از طرف پس‌اندازکنندگان و صاحبان پول و سرمایه به طرف متقاضیان، جریان می‌یابد. بازارهای مالی ظرف چند صده اخیر رشد قابل توجهی داشته و به طور مستمر درحال تکامل و افزایش نقدینگی در جهان است. نکته قابل ذکر این است که در بازارهای مالی زمانی وجوه انتقال می‌یابند که یک طرف معامله، دارایی‌های مالی را خریداری می‌نماید. بنابراین از این جهت که بازارهای مالی جریان انتقال وجوه را تسهیل می‌نمایند، امکان سرمایه‌گذاری خانواده‌ها، بنگاه‌های تجاری و نهادهای دولتی را نیز فراهم می‌نمایند (اواگولس^۱، ۲۰۱۲).

در یک تقسیم‌بندی کلی بازارهای مالی در اقتصاد هرکشوری به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از بازار پول، بازار سرمایه و بازار بیمه. شاکله اصلی تأمین مالی در بازار پول، بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری است و شاکله اصلی تأمین مالی در بازار سرمایه بورس‌ها، تأمین سرمایه و کارگزاری‌ها است. بازار مالی در حقیقت بازاری است که در آن دارایی‌های مالی که جنبه مالکیت دارند یا نشانه وجود بدهی هستند مبادله می‌شوند. بازار مالی در تعریف کلی شامل بازار ابزارهای کوتاه مدت (بازار پول) و ابزارهای بلندمدت (بازار سرمایه) است. بازار مالی نقش بسیار مهمی در نظام اقتصادی کشورها دارد و یکی از عوامل تعادل اقتصادی محسوب می‌شود. بازار مالی فعالان متعددی همچون سرمایه‌گذاران، معامله‌گران، کارگزاران، تحلیلگران مالی و نهادهای قانون‌گذار فعالیت می‌نمایند. بازار مالی را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌نمایند که از جمله آن تقسیم بازار مالی به بازار سرمایه و بازار پول می‌باشد.

شناخت مفهوم بازار سرمایه و تفکیک آن از بازار پول، از جهت نظری و عملی بسیار حائز اهمیت است؛ بهتر بود که در قوانین مربوط به صنعت بازار سرمایه بالاخص قانون تأسیس بورس اوراق بهادار و پس از آن قانون بازار اوراق بهادار، تعریف دقیق‌تری از بازار سرمایه ارائه می‌گردید، اما در وضعیت حاضر که نص قانونی درخصوص تعریف بازار سرمایه وجود ندارد، مراجعه به دکترین حقوقی و اقتصادی برای شناخت مفهوم بازار سرمایه ما را یاری خواهد نمود.

در تعریف متداول از بازار سرمایه، ضمن ساده‌سازی مفهوم بازار سرمایه اینگونه اظهار شده است که «بازار سرمایه، بازاری است که در آن دارایی‌های مالی (اوراق بهادار) از قبیل سهام و اوراق قرضه خرید و فروش می‌شوند» (مادورا^۲، ۲۰۱۰: ۳). با در نظر گرفتن ابعاد حقوقی بازار سرمایه می‌توان در تعریف آن این‌گونه بیان نمود که: «بازاری است که ابزارهای مالی موجود در آن اعم از اوراق بهادار و اوراق مبتنی بر قرارداد، با مشارکت طیف وسیعی از تشکلهای خود انتظام و نهادهای مالی و تحت نظارت نهاد ناظر مورد معامله قرار می‌گیرد».

¹ Evagols

² Madura

۲-۲-۲. قرارداد

قرارداد معادل عقد و تا حدودی Contract در زبان انگلیسی است (استون^۱، ۲۰۰۲) و شامل اعمال حقوقی است که با توافق با یکدیگر واقع می‌شوند (آگتون^۲، ۲۰۰۰). توافق به معنی هماهنگ شدن اراده دو شخص با یکدیگر است (کاتوزیان، ۱۳۹۵). عقد یا قرارداد در برگیرنده عقود عهدی، تملیکی، مالی، غیرمالی، معوض، غیرمعوض، صلح و تمامی توافقات است. قرارداد و عقد از نظر مفهومی مترادف با یکدیگر تلقی می‌گردند؛ برای مثال، تفاوتی میان به‌کاربردن عقد وکالت به جای قرارداد وکالت وجود ندارد و همان‌طور که میان عقد اجاره یا قرارداد اجاره و امثال آن تفاوتی وجود ندارد. اما از نظر عرف حقوقی و از نظر قانونگذار، اصطلاح عقد، دلالت بر عقود معین می‌کند و برای آن دسته از عقود که در قانون مدنی شرایط و چگونگی آن‌ها تصریح شده است، استفاده می‌شود؛ مانند عقد بیع، عقد اجاره، عقد رهن، عقد وکالت و غیره. این در حالیست که قرارداد به بقیه توافقاتی که شرایط و چگونگی آنها در قانون مدنی ذکر شده است، تلقی می‌گردد و می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرارداد اعم از عقود معین و غیرمعین می‌باشد.

عقد به اعتبارات مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارد. از جمله این دسته‌بندی‌ها، تقسیم عقد به اعتبار موضوع آن به مالی و غیرمالی یا تملیکی و عهدی است. قانون‌گذار ایران، در ماده ۱۸۳ قانون مدنی، عقد را اینگونه تعریف می‌کند: «عقد عبارت است از این که دو یا چند نفر در مقابل دو یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد».

۲-۱-۳. قراردادهای الحاقی

علیرغم اینکه امروزه اراده اشخاص در قراردادهای حوزه عمومی به بهانه حفظ امنیت و نظم اقتصادی تحدید می‌گردد، ضروری است که جایگاه قرارداد در تأمین و حفظ حقوق بنیادین اشخاص همچون آزادی اراده، تبیین گردد. این درحالیست که قراردادهای حوزه عمومی به‌گونه‌ای است که در این نوع قراردادها می‌توان آزادی اراده اشخاص را به بهانه نظم و امنیت اقتصادی تحدید نمود (صادقی، ۱۳۸۳).

قراردادهای الحاقی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود از دیگر قراردادها متمایز شده است. یکی از این ویژگی‌ها به موضوع قرارداد و آنچه به موضوع تعلق می‌گیرد مرتبط است. برخی دیگر به ویژگی‌های طرف قوی‌تر قرارداد یعنی پیشنهادکننده بر می‌گردد و برخی نیز حول محور نحوه ایجاب و قبول و خصوصیات ظاهری عقد می‌باشد. البته بعضی از این ویژگی‌ها، ویژگی‌های غالب این نوع قراردادها هستند؛ به عبارت دیگر اکثر قراردادهای الحاقی شامل این ویژگی‌ها می‌باشند اما از طرفی نبود برخی از این ویژگی‌ها موجب سلب عنوان قرارداد الحاقی از این نوع عقود نمی‌گردد.

واژه قرارداد الحاقی از فرانسه نشأت گرفته است. ریشه لغوی آن به این موضوع برمی‌گردد که وقوع معامله، منوط به الحاق بی‌چون و چرای یک طرف به شروط پیش‌بینی شده به وسیله طرف مقابل است. قراردادهای خدمات عمومی مثل حمل و نقل، تلفن، گاز و آب الحاقی می‌باشند (تقی زاده، ۱۳۹۸: ۱۹).

¹ Acetone

² Agton

قرارداد الحاقی به قراردادی اطلاق می‌شود که توسط یکی از طرفین تنظیم می‌شود و به طرف مقابل عرضه می‌گردد بی‌آنکه طرف مقابل حق تغییر در شروط و یا حتی مذاکره در مورد آن را داشته باشد بنابراین حق انتخاب طرف مقابل به پیوستن و یا نه پیوستن به آن قرارداد خلاصه می‌شود. قرارداد الحاقی توافقی است که در آن یک طرف نسبت به دیگری قدرت بیشتری در تنظیم شرایط قرارداد دارد. برای اینکه در این نوع قرارداد پیوستگی وجود داشته باشد، پیشنهاددهنده باید شرایط و ضوابط استاندارد را به طرف ارائه کند که با شرایط ارائه شده به سایر کسانی که قرارداد ممکن است به آنها نیز عرضه شود یکسان باشد. این شرایط و ضوابط، غیرقابل مذاکره هستند، به این معنی که طرف ضعیف‌تر در قرارداد باید با قرارداد همانطور که هست موافقت کند نه اینکه بخواهد بندهایی اضافه کند یا حذف و تغییر کند (طجرلو، ۱۳۸۷: ۱۹۱). قراردادهای الحاقی ممکن است به عنوان قراردادهای استاندارد نیز شناخته شوند.

این قراردادهای قراردادهایی هستند که در آن باید قرارداد را به‌طور کلی پذیرفت یا از آن خارج شد. قراردادهای الحاقی به‌منظور ساده کردن معاملات تجاری از طریق استاندارد کردن توافق بین تأمین‌کننده و خریدار یا درخواست‌کننده است (پترسون^۱، ۲۰۱۰: ۳۲۷-۴۱۴).

قراردادهای الحاقی در مقابل عقود معمولی قرار می‌گیرند منظور از عقد معمولی آن است که قبل از تشکیل آن، دو طرف به‌طور مستقل و آزادانه در شرایط مساوی به یک اندازه حق مذاکره دارند و در مورد مسائلی از قبیل شرایط عقد و خصوصیات عوضین مباحثه می‌کنند تا به توافقی که به تشکیل عقد بینجامد نایل گردند و از طرف دیگر، در عقود الحاقی یکی از طرفین عقد از قبل شروط عقد مانند خصوصیات عوضین، شرایط عقد و دیگر مطالب را به‌طوریکجا پیشینی می‌کند و به‌منزله یک کل منسجم به طرف مقابل پیشنهاد می‌کند (درخشانی، ۱۳۹۵: ۹۶).

در آخر به‌عنوان جمع‌بندی بحث ویژگی‌های قراردادهای الحاقی، این موارد به صورت جداگانه در ذیل آورده می‌شود. پیش از برشمردن این موارد نگارنده یادآور می‌شود هرچند مفهوم نهفته در قرارداد الحاقی لزوم وجود فرم‌های استاندارد از پیش تهیه شده است اما این تنها ویژگی اساسی قرارداد الحاقی نمی‌باشد. عوامل دیگری علاوه بر این مورد وجود دارند از جمله مهمترین آنها این است که ارائه مطالبات باید به صورت «یا آن را قبول کن یا ترک بنما» صورت گیرد (لطفی، ۱۳۹۷). از نظر حقوقی باید توجه داشت بسیاری موارد نیز وجود دارد که فروشندگان، قیمت‌ها را به‌صورت غیر قابل مذاکره در بسیاری از زمینه‌های کاملاً غیرقابل اعتراض تعیین می‌کنند. بنابراین ترکیب این دو عنصر است که ممیز ذات قرارداد الحاقی می‌باشد. به‌طور دقیق‌تر هفت ویژگی زیر یک مدل قرارداد الحاقی را تعریف می‌کند:

۱) سندی که اعتبار قانونی آن مورد بحث است، فرم چاپی است که شامل بسیاری از شروط است و به

وضوح ادعا می‌کند که یک قرارداد است.

۲) فرم توسط یا از طرف یکی از طرفین معامله تهیه شده است.

¹ Peterson

۳) طرف تهیه‌کننده پیش‌نویس یا قرارداد در معاملات متعددی از نوع همان قرارداد شرکت می‌کند و به‌طور معمول وارد این قبیل معاملات می‌شود (تکرار استفاده از این نوع خاص قرارداد).

۴) فرم، به طرف متعاقد ارائه می‌شود با این بیان که به جز موارد معدود مشخص شده‌ای، (مانند مدت زمان و قیمت)، طرف تنظیم‌کننده فقط با شرایط مندرج در سند، معامله را انجام دهد. ابراز این مطلب ممکن است صریح یا ضمنی بسته به شرایط باشد، اما در هر صورت توسط متعاقد قابل درک است.

۵) پس از اینکه طرفین در مورد هر شرطی که برای چانه زنی باز است، تبادل نظر کردند، سند توسط طرفین امضا می‌شود.

۶) طرف متعاقد وارد معاملات معدودی از نوع ارائه شده توسط طرف تهیه‌کننده پیش‌نویس می‌شود (حداقل در مقایسه با طرف تهیه‌کننده پیش‌نویس).

۷) تعهد اصلی طرف متعهد در معامله من حیث المجموع و به طور اجمالی، پرداخت پول است. از موضوعات کلیدی مطروح در مبحث قرارداد الحاقی، چالش رعایت عدالت بین دو طرف قرارداد می‌باشد (قافی، ۲۳۸۳: ۳۱). زیرا همانگونه که بحث آن رفت همیشه یکی از طرفین در موضع ضعیف‌تر قرار دارد. برای تعیین رابطه در قرارداد الحاقی راه‌حلهایی وجود دارد که با رعایت آن می‌توان این نابرابری را به حداقل رسانید. از جمله فاکتورهای تعدیل‌کننده روابط در قرارداد الحاقی اصل شفافیت در قرارداد می‌باشد.

امروز اعتقاد عمومی بر این است که امنیت اقتصادی در دنیای امروزه، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک بعد از امنیت ملی مطرح می‌باشد. از طرف دیگر، قوانین و مقرراتی که از طرف حاکمیت وضع می‌شود، مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی می‌باشد و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای جامعه حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی قابل دستیابی نخواهد بود. این حقیقت در دنیای امروزی پذیرفته شده است که به منظور رسیدن به اهداف اقتصادی، باید مقررات مالی تنظیم نمود (شمس‌اللهی، ۱۳۹۲). برای تنظیم این‌گونه مقررات، ابتدا باید اهداف اصلی قانون‌گذار در بازارهای مالی از جمله بازار سرمایه را بررسی نمود. بدین منظور با بررسی نهادهای ناظر در سراسر جهان، می‌توان گفت که عموم نهادهای ناظر در تمام دنیا چهار هدف اصلی را برای تنظیم بازار دنبال می‌کنند.

این اهداف عبارتند از (۱) ایمنی و صحت نهاد مالی؛ (۲) کاهش ریسک سیستمی؛ (۳) کارایی و منصفانه بودن بازارها؛ (۴) حمایت از مشتریان و سرمایه‌گذاران (حامدی، ۱۳۹۴).

۲-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع امنیت اقتصادی در مقاله مفهوم شناسی امنیت اقتصادی به قلم امرالله سیف (۱۳۸۹) به این موضوع اشاره و آن را در حوزه ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است و از منظر دانش اقتصاد و جامعه‌شناسی اقدام به مفهوم شناسی امنیت اقتصادی کرده و در نهایت ضمن جمع‌آوری نظرات مختلف، دسته‌بندی‌های مختلفی از مفهوم امنیت اقتصادی ارائه و با یافته‌های پژوهش، قانون اساسی را در این خصوص مورد تحلیل قرار داده است.

در مقاله‌ای تحت‌عنوان اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه پایدار با قلم آقایان عطوفی و جاویدان (۱۳۹۵) به رابطه مفهوم امنیت اقتصادی با توسعه پایدار پرداخته و ضمن تحلیل مفهوم توسعه و نقش امنیت اقتصادی در آن نهاد‌های متولی امنیت اقتصادی را مورد کنکاش قرارداده و نهایتاً نسبت توسعه پایدار را با مفهوم امنیت اقتصادی مورد بحث قرارداده است.

در مقاله‌ای تحت‌عنوان امنیت اقتصادی و اهمیت و جایگاه آن در ایران که توسط آقایان زارع و مرادی (۱۳۹۵) نگارش یافته، ابتدا از منظور حقوق بشر به تحلیل امنیت اقتصادی پرداخته و سپس نسبت آن را با مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بررسی نموده است. اما همچنان که ذکر شد این پژوهش‌ها بیشتر سویه اقتصادی دارد.

در مقاله‌ای تحت‌عنوان بررسی شاخص‌های حقوقی و قضایی امنیت اقتصادی به قلم سرکار خانم منصوره قاسمی (۱۳۹۵) به بررسی مفهوم امنیت اقتصادی از منظر حقوق عمومی با تکیه بر نقش قوای سه‌گانه خصوصاً قوه قضاییه پرداخته و بیشتر سعی در ارائه مفهوم توسعه اقتصادی و نقش قوای سه‌گانه در تحقق آن داشته است

در مقاله‌ای تحت‌عنوان امنیت اقتصادی از دیدگاه حقوق، جناب آقای شهبانی (۱۳۹۵)، اقدام به بررسی رابطه‌ی نهاد‌های حقوقی کلان با مفهوم امنیت اقتصادی پرداخته‌اند و نقش حقوق در تأمین امنیت اقتصادی را بررسی و نتیجه را در خصوص تأمین فضای امن سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرارداده‌اند.

تمام منابع ذکر شده نقش گسترده‌ای در شکل‌گیری ادبیات بحث داشته لیکن از لحاظ موضوعی، پژوهش حاضر با موضوع قراردادن بازارهای سرمایه از یک سو و تمرکز بر بحث قرارداد در این بازارها به‌طور مشخص گامی فراتر از موارد گفته شده برداشته و به‌صورت خاص امنیت را در حوزه قراردادهای بازار سرمایه بررسی خواهد کرد.

۳. روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی است و از حیث روش اجرا از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی قرار می‌گیرد و از روش اکتشافی و در قسمت کیفی از روش فراترکیب و تحلیل محتوا جهت انجام تحقیق استفاده شده است.

۳-۱. تحقیق بنیادی

تحقیقات بنیادی در انتزاعی‌ترین شکل خود، به‌منظور ایجاد و پالایش نظریه‌ها صورت می‌گیرند. در این نوع تحقیقات، مسأله از حوزه اجرایی واقعی ناشی نشده است. هدف اساسی این نوع تحقیقات آزمون نظریه‌ها، تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در یک زمینه خاص است. تحقیقات بنیادی به کشف قوانین و اصول علمی می‌پردازد و در صدد توسعه مجموعه دانسته‌های موجود درباره اصول و قوانین علمی است. تحقیقات بنیادی پژوهش‌هایی هستند که در نتیجه یافته‌های آنها بر وسعت معلومات انسان در زمینه

پژوهش افزوده می‌شود و شناخت انسان عمق بیشتری می‌یابد و همچنان که از اسم آن پیداست به بنیادهای علمی مربوط است.

تحقیقات بنیادی دارای مشخصه‌های زیر هستند:

۱- کسب شناخت‌های کلی

۲- ثبت و ضبط جامع

۳- استفاده ترکیبی از روش‌ها

۴- مدت‌دار بودن

۳-۲. تحقیق توصیفی

تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. پژوهش‌های توصیفی برای تهیه تصویر دقیق از شرایط عینی یک پدیده و اولین گام در تلاش برای شناخت یک پدیده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی می‌باشد چرا که در تلاش برای یافتن متغیرهای اصلی نقش قرارداد در حفظ و ارتقاء امنیت بازار سرمایه می‌باشد. تحقیق توصیفی را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

۱- تحقیق پیمایشی

۲- تحقیق همبستگی

۳- اقدام پژوهی

۴- بررسی موردی

۵- تحقیق پس رویدادی

تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. این نوع تحقیقات به دنبال اطلاع از وجود رابطه بین متغیرهاست. نه لزوماً رابطه علت و معلولی. محقق به دنبال آن است که مثلاً بداند آیا بین دو متغیر در جامعه مورد نظر ارتباطی وجود دارد یا خیر.

همبستگی بین دو متغیر نیز به دو صورت می‌باشد یا همبستگی مثبت است یا منفی. همبستگی مثبت عبارت است از جهت تغییر در یک متغیر با جهت تغییر در متغیر دیگر همسو باشد. همبستگی منفی آن است که جهت تغییرات یک متغیر با جهت تغییرات متغیر دیگر همسو نباشد یعنی با افزایش دیگری کاهش یابد مثل رابطه افزایش قیمت و قدرت خرید مردم.

۳-۳. روش فراترکیب

روش فراترکیب برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری صورت می‌گیرد و بر مطالعات کیفی متمرکز است. روش فراترکیب ماهیتاً یک روش نظری نیست و لزوماً ادبیات موضوعی زیادی را درگیر نمی‌کند. همچنین، عصاره‌ای از تفسیرهای مطالعه‌های مشابه نیست، بلکه یکپارچه‌سازی تفسیر

یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری (زیمر^۱، ۲۰۰۶) و حاکی از فهم عمیق پژوهشگر در این زمینه است؛ یعنی به‌جای ارائه‌ی خلاصه‌ی جامعی از یافته‌ها، ترکیب تفسیری از یافته‌ها ایجاد می‌کند. «علاوه‌براین، برخلاف فرا تحلیل، فراترکیب کیفی است و به‌عنوان یک روش مرور نظام‌مند جهت تجمیع و یکپارچگی نتایج پژوهش‌های گوناگون مربوط به یک حوزه خاص است. این روش، یک روش کیفی، مهندسی و شکل‌دهی مجدد بوده و بر یکپارچه‌سازی نتایج کیفی، یافته‌های پژوهش‌ها و مطالعات موجود متمرکز است. در نتیجه، نمونه‌ی مورد نظر برای فرا ترکیب از مطالعات کیفی و براساس ارتباط آنها با سوال پژوهش انتخاب می‌شود» (جنسون و آلن^۲، ۱۹۹۶).

در پژوهش حاضر جهت یافتن ابعاد نقش قرارداد بر حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی از روش فرا ترکیب استفاده شده است.

۳-۴. روش تحلیل محتوا

تحلیل محتوا روشی برای تحلیل پیام‌های ارتباطی متنی، شفاهی، صوتی و تصویری است (کول^۳، ۱۹۸۸). کاربردهای تحلیل محتوا را می‌توان به‌طور کلی تحلیل مفاهیم و روابط مستتر در ارتباطات انسانی به اشکال گوناگون که تبدیل به متن شده‌اند، دانست. در پژوهش حاضر برای یافتن ابعاد توسعه مالی از روش تحلیل محتوا استفاده خواهد شد.

در تحقیق حاضر در مرحله کیفی در بخش نقش و کارکرد قرارداد از تیم تصمیم (مشارکت کننده) که شامل (اساتید دانشگاهی و خبرگان بازار سرمایه ایران) که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد، اشتغال به تدریس، سابقه پژوهشی و تألیفی بودند و همین‌طور به تعداد ۱۵ نفر و در بخش توسعه مالی از تیم تصمیم شامل (اساتید دانشگاهی و خبرگان حوزه اقتصاد و مالی) که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب با رشته تحصیلی، مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد، سابقه پژوهشی و تألیفی و همین‌طور (روسای بانک‌ها و کارمندان بانک مرکزی) که به تعداد ۱۵ نفر بودند به عنوان تیم تصمیم در شناسایی شاخص‌ها و ابعاد متغیرها در این تحقیق حضور داشتند که جهت انتخاب آنها از روش غیر تصادفی (هدفمند) و روش گلوله برفی استفاده شده است.

در بخش کمی جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان با تجربه اقتصادی بازار سرمایه می‌باشند. حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان یا فرمول کوکران تعیین شد و در انتخاب نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردیده است.

در این تحقیق محقق در تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، از درصد فراوانی و درصد تجمعی استفاده کرده و نتایج را به صورت جدول و نمودار بیان نموده است.

¹ Zimmer

² Jenson and Allen

³ cool

برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بدست آمده از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی و آمار استنباطی شامل روش معادلات ساختاری با نرم افزار Spss استفاده شده است. بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و در این بخش تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از مقادیر t -values و R^2 استفاده شده است. R^2 معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و در آن سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳، ۰/۶۷ به‌عنوان ملاکی برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا به شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در خصوص نقش قرارداد در حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی با استفاده از روش‌های مطرح شده پرداخته شده و در ادامه به اولویت‌بندی متغیرها پرداخته شده است و مدل قرارداد دارای اثربخشی در حفظ و ارتقا امنیت اقتصادی ارائه داده شده است و در نهایت الگویی را که تا این مرحله به دست آورده در بوته آزمون قرار داده و اعتبار آن مورد سنجش قرار گیرد. در روش فراترکیب، اطلاعات مقاله‌ها براساس مرجع مربوط به هر مقاله شامل نام و نام خانوادگی نویسنده، به همراه سال انتشار مقاله و اجزای هماهنگی بیان شده در هر مقاله طبقه‌بندی شد.

۴-۱. اولویت‌بندی متغیرهای قراردادهای بازار سرمایه با استفاده از رویکرد AHP فازی

براساس تحلیل‌های صورت گرفته و تحلیل محتوای مقالات، ۵۰ مقاله نهایی انتخاب شدند و در مجموع ۶ مقوله و ۱۶ مفهوم و ۷۰ کد برای مولفه‌های اصلی قرارداد بازار سرمایه و امنیت اقتصادی در این تحقیق کشف و برچسب‌گذاری شدند. در جدول شماره (۱)، کدهای نهایی استخراج شده‌ی مرتبط با هر مقوله و مفهوم نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۱) مقوله بندی یافته‌ها

کد	مفهوم و توضیحات	مقوله	شاخص
	شفافیت در ارتباط با متون - ایده‌پردازی شفاف - قیود اجرای درست قرارداد - داشتن متن قانونی صریح و بدون ابهام		
	ضرورت رعایت اصل شفافیت	شفافیت منابع شرکتی و شروط قراردادی	شفافیت قراردادهای سازمانی
	شفافیت عملکردی - تداوم شفافیت در حل مسئله - اطلاعات شفاف و صحیح از عملکرد و رویه قانون‌گذاری، شفافیت در زمینه تصمیمات اجرایی همراه با محدودیت دسترسی به اطلاعات	شفافیت در مبحث عملکرد شرکت‌های تجاری	

شخص	مقوله	مفهوم و توضیحات	کد
عوامل حاکمیتی	مقررات گذاری و دخالت دولت	تخصیص منابع مطلوب دولت	تعادل بین اکتشاف و بهره‌برداری - تعادل منابع بین اکتشاف و بهره‌برداری - ساختاربندی منابع - هماهنگ‌سازی منابع
		قوانین دولتی پویا متناسب با تغییر شرایط	مقررات متناسب با تغییر شرایط - مدیریت راهبردی در سیاست‌گذاری‌های کلان - چشم‌انداز مطلوب
		خطمشی راهبردی دولت در رفع ابهام قراردادها	خطمشی مطلوب - مقررات گذاری راهبردی
حاکمیت قانون	اعمال قوانین از سوی مقامات عمومی	برابری در مقابل قوانین و اجرای برابر قانون، استقلال قضایی، انصاف در اعمال قانون، اجتناب از خودسرانگی و اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای	برابری در مقابل قوانین و اجرای برابر قانون، استقلال قضایی، انصاف در اعمال قانون، اجتناب از خودسرانگی و اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای
		دسترسی به دادگستری	توانایی مردم برای مطالبه و کسب جبران - دسترسی به نهادهای رسمی یا غیررسمی - تبعیت از استانداردهای حقوق بشر
		مطابقت قوانین با هنجارها و استانداردهای حقوق بشری	امنیت انسانی، حمایت در مقابل سوء استفاده
عوامل اجتماعی	امنیت اجتماعی و کارآمدی نظام قضایی	احقاق حق و اجرای عدالت	کیفر بزهکار، برقراری عدالت - اخلال گران اقتصادی
		برقراری نظم	برقراری نظم عمومی، پاسخگو کردن در برابر رفتارها، تصمیم - پاسخگو کردن نهادهای حاکمیتی - استقلال قاضی، قضاوت عادلانه، احترام به حقوق مکتسبه، درک مشترک از قانون، عملکرد بدون تبعیض
		رسالت بنیادین دستگاه قضایی	داد و سندهای بازارهای فیزیکی، تحمل ابهام - عدم اطمینان محیطی - تغییرات محیطی
عوامل نوآورانه قرارداد بازار سرمایه	قرارداد بازار سرمایه	قرارداد نقدی	داد و سندهای بازارهای فیزیکی، تحمل ابهام - عدم اطمینان محیطی - تغییرات محیطی
		قرارداد نسیه	تأمین اقتصادی خریدار - ریسک‌پذیری قابل قبول در اجرای قرارداد - ریسک - پذیرش در پرداخت به موقع، تحویل فوری کالا
		قرارداد سلف	ابزار تأمین اقتصادی فروشنده، اقتصاد کشور، پرداخت کل مبلغ معامله در حین عقد قرارداد

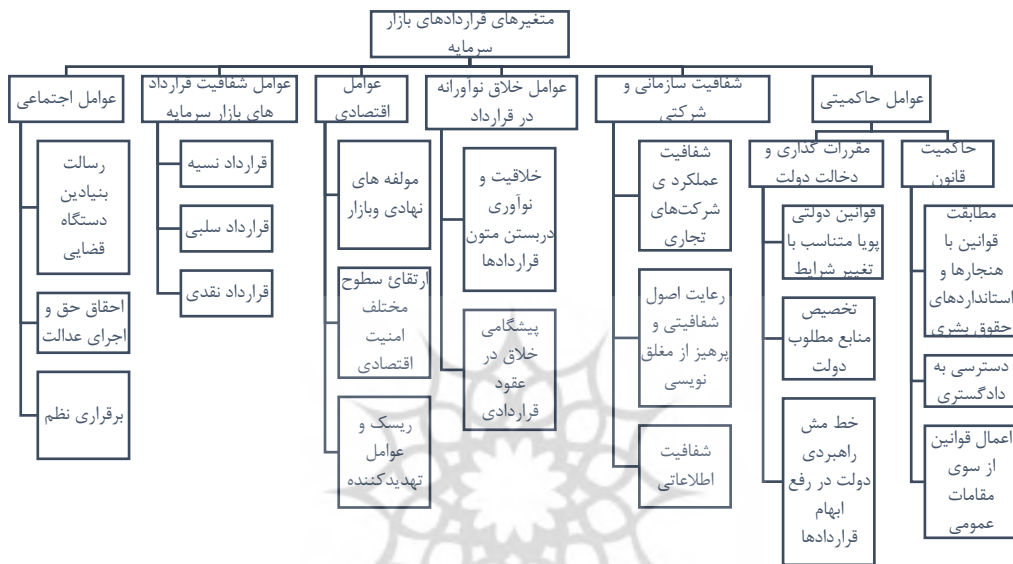
شاخص	مقوله	مفهوم و توضیحات	کد
قابلیت نوآوری قراردادی	قابلیت نوآوری قراردادی	پیشگامی در عقد قرارداد	پیشگامی - پیشرو بودن - حرکت پیشرو کارآفرینانه
		خلاقیت و نوآوری در بستن قراردادها	نوآوری - نوآوری مستمر - خلاقیت - نوآوری کارآفرینانه - خلاقیت و توسعه نوآوری - نوآور بودن
عوامل اقتصادی	حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی	رویکرد آسیایی و انگلیسی - آمریکایی بر مبنای محوریت فرد	تأمین نیازهای مشتریان و تولیدکنندگان، مالکیت فردی
		سطوح مختلف امنیت اقتصادی (سطح خرد (فرد/ خانوار/ مصرف کننده) - سطح میانی (بنگاهها) - سطح کلان (ملی، منطقه‌ای و جهانی)	امنیت اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت تولید، امنیت جمعیت‌شناختی، امنیت اجتماعی، امنیت زیرساخت‌های حیاتی، امنیت انرژی، امنیت علمی-فناوری و امنیت غذایی
		مؤلفه‌های نهادی و بازار	ایجاد ترتیبات نهادی مؤثر، محیط مساعد برای فعالیت عوامل تولید، اجرای سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و توسعه پایدار، آزادی مالکیت، سیستم اقتصادی و بانکداری مناسب، حمایت اجتماعی و پژوهش‌های علمی و فناورانه همراه با احترام به حقوق مالکیت معنوی و کپی- رایت
		ریسک و عوامل تهدیدکننده امنیت اقتصادی	تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم سالیانه، تراز بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی. برنامه‌ریزی امنیت اقتصادی - هزینه امنیت اقتصادی - توزیع بهینه در کل نظام امنیت ملی

منبع: یافته‌های پژوهش

یکی از بهترین روش‌ها برای سنجش روایی، کسب نظر خبرگان است. اگر سؤالاتی که موضوع پژوهش را هدف قرار داده‌اند به تأیید خبرگان برسند، روایی پژوهش نیز تأیید می‌شود که در این پژوهش حاصل شد. در پایان ارزیابی و استخراج مقوله‌ها جهت اطمینان از درستی تحلیل محتوا و کدهای استخراجی از ضریب موضوعی کاپای کوهن استفاده شد بدین صورت که کلیه مقالات و نتایج حاصله در اختیار دو ارزیاب که از متخصصان قراردادهای بازار سرمایه می‌باشد قرار گرفته و ضریب کاپای کوهن اندازه‌گیری شد. ضریب کاپا در

این بخش از پژوهش ۰/۷۹ اندازه‌گیری شد که نشان‌دهنده توافق خوب بین دو ارزیاب در استخراج کدها و مقولات این پژوهش می‌باشد.

سپس بر اساس تکنیک‌های به کار رفته در قسمت کیفی تحقیق ۶ عامل اساسی به همراه شاخص‌های آن به ترتیب شکل شماره (۱) استخراج شده است.



شکل شماره (۱) شاخص‌های اصلی

منبع: یافته‌های پژوهش

باید توجه شود با توجه به اینکه بین متغیرهای تحقیق و معیارهای استخراج شده برای هر متغیر رابطه وجود دارد، با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی و با استفاده از نظر خبرگان و انجام مقایسات زوجی به اولویت‌بندی متغیرها و معیارهای هر متغیر پرداخته می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله اول بر اساس متغیرهای اساسی یافته شده از طریق فراترکیب و تحلیل محتوا، پرسشنامه‌ای جهت انجام مقایسات زوجی تهیه و در اختیار ۱۵ نفر خبره قرار گرفت و نتایج حاصل از پرسشنامه تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل به شرح جدول شماره (۲) می‌باشد:

جدول شماره (۲) اوزان نهایی معیارهای با رویکرد AHP

عوامل اجتماعی	عوامل شفافیت قرارداد های بازار سرمایه	عوامل اقتصادی	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه	شفافیت سازمانی و شرکتی	عوامل حاکمیتی	معیارها
۰/۱۲۳	۰/۱۲۸	۰/۱۶۹	۰/۱۷۸	۰/۱۹۱	۰/۲۰۱	وزن

منبع: یافته‌های پژوهش * نرخ ناسازگاری: ۰/۰۲

نرخ ناسازگاری نشان می‌دهد تا چه اندازه می‌توان به داده‌های گردآوری شده از دیدگاه هر کارشناس اعتماد کرد. اساس محاسبات تحلیل سلسله مراتبی براساس قضاوت اولیه تصمیم‌گیرنده که در قالب ماتریس مقایسه‌ای زوجی ظاهر می‌شود، صورت می‌پذیرد. بنابراین هرگونه خطا و ناسازگاری در مقایسه عناصر، نتیجه نهایی به دست آمده از محاسبات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تجربه نشان داده است که اگر نرخ سازگاری کمتر از $0/1$ باشد سازگاری مقایسه‌ها قابل قبول بوده و در غیر این صورت مقایسه‌ها باید تجدیدنظر شود (نرخ ناسازگاری از تقسیم شاخص سازگاری بر شاخص تصادفی بدست می‌آید. اگر نرخ سازگاری $0/1$ یا کمتر باشد مقایسه‌ها سازگار است).

با توجه به جدول بالا عوامل حاکمیتی دارای بالاترین اولویت و عوامل اجتماعی با وزن $0/123$ دارای پایین‌ترین اولویت می‌باشد. همچنین نرخ سازگاری برابر با $0/02$ می‌باشد بنابراین سازگاری معیارها با هدف پژوهش قابل قبول است.

در نتیجه: از بین ۶ شاخص اصلی پژوهش از نظر خبرگان بیشترین اهمیت مربوط به عوامل حاکمیتی و کمترین اهمیت مربوط به عوامل اجتماعی در مقایسه با کل متغیرها می‌باشد.

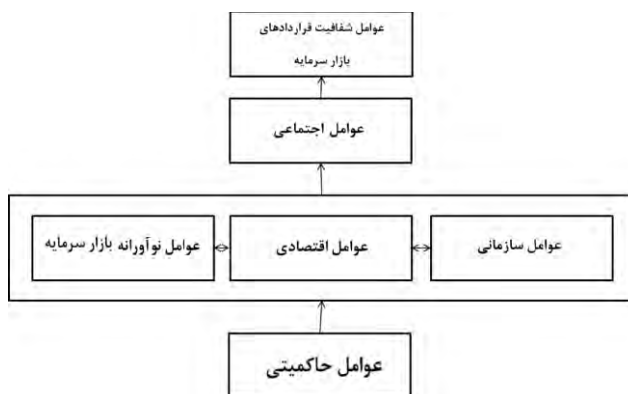
خروجی نرم افزار برای اولویت‌بندی زیر مجموعه‌ها با توجه به پاسخ‌های خبرگان نیز به شرح زیر می‌باشد:

- در شاخص عوامل شفافیت سازمانی و شرکتی شفافیت عملکردی شرکت‌های تجاری دارای بالاترین اولویت و شفافیت اطلاعاتی دارای پایین‌ترین اولویت در مقایسه با کل متغیرها می‌باشد.
- در شاخص عوامل حاکمیتی بالاترین اولویت مربوط به تخصیص منابع مطلوب دولت و کمترین اولویت مربوط به دسترسی به دادگستری در مقایسه با کل متغیرها است.
- در عوامل اجتماعی بالاترین اولویت مربوط به برقراری نظم و پایین‌ترین اولویت مربوط به رسالت بنیادین دستگاه قضایی در مقایسه با کل متغیرها می‌باشد.
- در عوامل اقتصادی بالاترین اولویت مربوط به ریسک و عوامل تهدیدکننده و پایین‌ترین اولویت مربوط به مؤلفه‌های نهادی و بازار در مقایسه با کل متغیرها است.
- در عوامل نوآورانه در قرارداد بالاترین اولویت مربوط به پیشگامی خلاق در عقود قراردادها و کمترین اولویت مربوط به خلاقیت و نوآوری در بستن متون قراردادها در مقایسه با کل متغیرها می‌باشد.
- در عوامل شفافیت قراردادهای بازار سرمایه قرارداد نقدی دارای بالاترین اولویت و قرارداد نسیه دارای پایین‌ترین اولویت نسبت به کل متغیرها می‌باشد.

۴-۲. مدلسازی ساختاری تفسیری

پس از مشخص شدن مؤلفه‌های توسعه اقتصادی بازار سرمایه با استفاده از روش فراترکیب و اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از روش AHP فازی در این مرحله از تحقیق برای استخراج روابط بین مؤلفه‌ها، مدلسازی تفسیری ساختاری به کار گرفته شده است.

با مشخص شدن سطح عوامل مدل نهایی، براساس ماتریس سازگار شده به صورت شکل شماره (۲) می‌باشد.



شکل شماره (۲) مدل نهایی حاصل از فرآیند ISM (مدل مطلوب و کارآمد قرارداد در بازارهای سرمایه) منبع: یافته های پژوهش

با توجه به شکل بالا می توان اینگونه بیان کرد که عوامل حاکمیتی بیشترین تأثیرگذاری را بر قراردادهای بازار سرمایه دارد. مؤلفه های عوامل سازمانی و شرکتی و عوامل اقتصادی و عوامل نوآورانه هر سه بر یکدیگر تأثیرگذاری متقابل دارند و هر سه این مؤلفه ها تحت تأثیر عوامل حاکمیتی بوده و بر روی عوامل اجتماعی تأثیر گذار می باشد.

۳-۴. تحلیل MICMAC

تجزیه و تحلیل MICMAC بر پایه قدرت نفوذ (تأثیرگذاری) و میزان وابستگی (تأثیرپذیری) هر متغیر شکل گرفته و امکان بررسی بیشتر محدوده هر یک از متغیرها را فراهم می سازد. در این تحلیل متغیرها به چهار گروه خودمختار، وابسته، پیوندی (رابط) و مستقل تقسیم می شوند.

جدول شماره (۳) ماتریس دستیابی سازگار شده و قدرت نفوذ و میزان وابستگی متغیرهای تأثیرگذار بر قراردادهای بازار

سرمایه

قدرت نفوذ	عوامل اجتماعی	شفافیت عوامل قراردادی بازار سرمایه	عوامل اقتصادی	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه	شفافیت عوامل سازمانی	عوامل حاکمیتی	
۲	۱	۰	۰	۰	۰	۱	عوامل حاکمیتی
۵	۱	۱	۱	۰	۱	۱	شفافیت عوامل سازمانی و شرکتی
۵	۱	۰	۱	۱	۱	۱	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه

عوامل اقتصادی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۵
شفافیت قراردادهای بازار سرمایه	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۵
عوامل اجتماعی	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
میزان وابستگی	۵	۴	۱	۴	۳	۶	

منبع: یافته های پژوهش



شکل شماره (۳) نمودار میزان هدایت و وابستگی متغیرها در تحلیل MICMAC

منبع: یافته های پژوهش

وابسته: این متغیرها دارای وابستگی قوی و هدایت ضعیف هستند. این متغیرها اصولاً تأثیرپذیری بالا و تأثیر-گذاری کمی بر روی سیستم دارند با توجه به نمودار پایین متغیرهای عوامل اجتماعی و شفافیت قراردادهای بازار سرمایه در این قسمت قرار می گیرند.

رابط: این متغیرها از وابستگی بالا و قدرت هدایت بالا برخوردارند به عبارتی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این معیارها بسیار بالاست و هر تغییر کوچکی بر روی این متغیرها باعث تغییرات اساسی در سیستم می شود. متغیر عوامل سازمانی و عوامل اقتصادی و نوآورانه در این مطالعه از این دسته هستند.

مستقل: این متغیرها دارای وابستگی کم و هدایت بالا می باشند به عبارتی دیگر تأثیرگذاری بالا و تأثیر پذیری کم از ویژگی های این متغیرها است عوامل محیطی یک عامل مستقل می باشد.

خود مختار: میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارند این معیارها عموماً از سیستم جدا می شوند زیرا دارای اتصالات ضعیف با سیستم هستند. تغییری در این متغیرها باعث تغییر جدی در سیستم نمی شود.

۴-۴. ارزیابی وضعیت موجود و مطلوب عوامل مؤثر بر حفظ و رشد امنیت اقتصادی تحت تاثیر قراردادهای بازار سرمایه

در ادامه به ارزیابی فاصله وضعیت موجود و مطلوب عوامل مؤثر بر نقض قرارداد با رویکرد حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی پرداخته شده است. برای این منظور با استفاده از آزمون T مستقل، پاسخ‌های مدیران و خبرگان از نظر تفاوت معناداری به شرح جدول شماره (۵) مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره (۵) آزمون T مستقل برای وضعیت عوامل مؤثر بر نقش قرارداد در حفظ ارتقاء امنیت اقتصادی

تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد		خطای استاندارد میانه	اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	آماره T	معناداری	آماره F	مؤلفه ها	
پایین ترین	بالا ترین									
۱/۸۷۳	-۰/۱۷۸	۰/۵۲۱	۰/۸۴۶	۰/۱۰۴	۲۱۵	۱/۹۷۲	-۰/۰۶۲	۳/۴۳	فرض برابری واریانس دو گروه	عوامل حاکمیتی
۱/۸۴۹	-۰/۱۵۶	۰/۵۱۰	۰/۸۴۶	۰/۰۹۸	۲۰۲/۳	۱/۹۷۱			فرض نابرابری واریانس دو گروه	
-۰/۵۴۶	-۱/۰۷۴	۰/۰۷۵	-۰/۴۵۷	۰	۲۱۵	-۲۴/۱۲	۰	۳۷/۱۷	فرض برابری واریانس دو گروه	شفافیت عوامل سازمانی و شرکتی
-۰/۶۹۷	-۰/۹۴۷	۰/۰۴۶	-۰/۴۵۷	۰	۲۱۱/۲	-۲۸/۱۰			فرض نابرابری واریانس دو گروه	
-۱/۲۱۷	-۱/۶۵۳	۰/۰۸۶	-۱/۳۶۴	۰	۲۱۵	-۱۰/۹۱	۰	۳۹/۸۹	فرض برابری واریانس دو گروه	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه
-۱/۰۵۸	-۱/۴۲۲	۰/۰۵۳	-۱/۳۶۴	۰	۲۱۵	-۲۴/۴۷			فرض نابرابری واریانس دو گروه	

تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد		خطای استاندارد میانگین	اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	آماره T	معناداری	آماره F	مؤلفه ها	
بالاترین	پایین ترین								عوامل اقتصادی	عوامل اجتماعی
-۰/۸۹۰	-۱/۰۷۹	۰/۱۳۴	-۰/۸۵۰	۰	۲۱۵	-۱۱/۰۴	۰	۵۱/۶۷	فرض برابری واریانس دو گروه	عوامل اقتصادی
-۰/۹۶۸	-۱/۱۷۲	۰/۰۸۹	-۰/۸۵۰	۰	۲۱۵	-۱۹/۴۵			فرض نابرابری واریانس دو گروه	
۱/۰۶۵	-۱/۵۶۹	۰/۶۶۹	۰/۲۵۴	۰/۷۰۵	۲۱۵	-۰/۳۷۹	۰/۷۷۵	۰/۰۸۹	فرض برابری واریانس دو گروه	شفافیت قرارداد های بازار سرمایه
۱/۰۵۹	-۱/۵۶۶	۰/۶۶۸	۰/۲۵۴	۰/۷۰۴	۲۰۱/۶	-۰/۳۸۰			فرض نابرابری واریانس دو گروه	
-۱/۰۱۸	-۱/۳۱۴	۰/۱۰۶	-۱/۱۴۳	۰	۲۱۵	-۹/۵۹	۰	۴۵/۱۳	فرض برابری واریانس دو گروه	عوامل اجتماعی
-۰/۹۴۱	-۱/۰۰۷	۰/۰۵۴	-۱/۱۴۳	۰	۲۱۵	-۲۱/۰۸			فرض نابرابری واریانس دو گروه	

منبع: یافته های پژوهش

براساس نتایج به دست آمده، تحلیل واریانس‌ها نشان می‌دهد که با فرض برابری واریانس دو گروه و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معناداری بدست آمده برای میانگین‌های مؤلفه‌های عوامل حاکمیتی و شفافیت عوامل سازمانی از مقدار استاندارد ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد، لذا میان پاسخ‌های دو گروه، نسبت به وضعیت عملکردی این دو، تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر این عوامل از وضعیت مطلوبی برای تأثیرگذاری بر مورد مطالعه برخوردار هستند.

همچنین برای میانگین‌های مؤلفه‌های عوامل سازمانی، عوامل اقتصادی، اجتماعی و عوامل نوآور و شفافیت قراردادی بازار سرمایه از مقدار استاندارد ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، لذا میان پاسخ‌های دو گروه در منطقه مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر این عوامل از وضعیت مطلوبی برای تأثیر در قراردادهای بازار سرمایه برخوردار نیستند و از وضعیت مطلوب برای رشد، حفظ و امنیت اقتصادی، فاصله دارند. در ادامه، برازش مدل مورد ارزیابی قرار گرفت. هدف از ارزیابی برازش مدل این است که مشخص شود تا چه اندازه مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. این کار بر اساس شاخص‌های برازندگی صورت می‌گیرد. برازندگی مدل با داده‌های مشاهده شده شاخص از طریق معیارهای برازش مطلق، شاخص‌های برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش تعدیل‌یافته که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است.

جدول شماره (۶) برازش تطبیقی و شاخص‌های برازش مدل

مقدار بدست آمده	حدقابل پذیرش	شاخص	گروه بندی شاخص ها
۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش	شاخص های برازش مطلق
۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹۰	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	
۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰	شاخص برازش تطبیقی	شاخص های برازش تطبیقی
۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹۰	شاخص برازش هنجار شده	
۰/۹۲	بیشتر از ۰/۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	
۲/۸۶	مقدار بین ۱ تا ۳	نسبت مجذور کای به درجه آزادی	شاخص های برازش تعدیل یافته
۰/۸۹	بیشتر از ۰/۶۰	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	
۰/۰۵۹	کمتر از ۰/۰۸	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب	

منبع: یافته‌های پژوهش

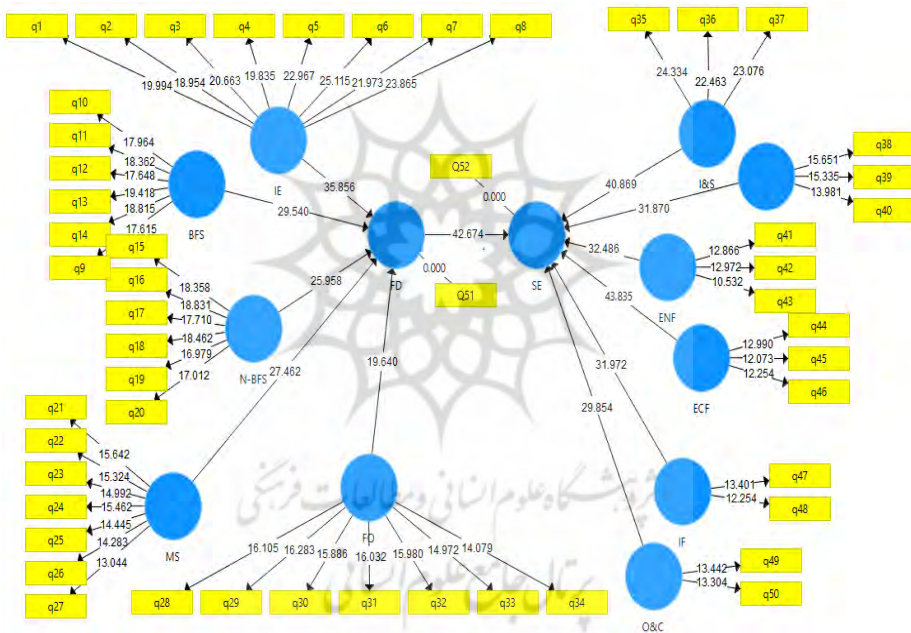
۴-۵. رابطه‌ی بین مقوله‌ها و مؤلفه‌های قراردادهای سرمایه و حفظ و امنیت اقتصادی با

استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری

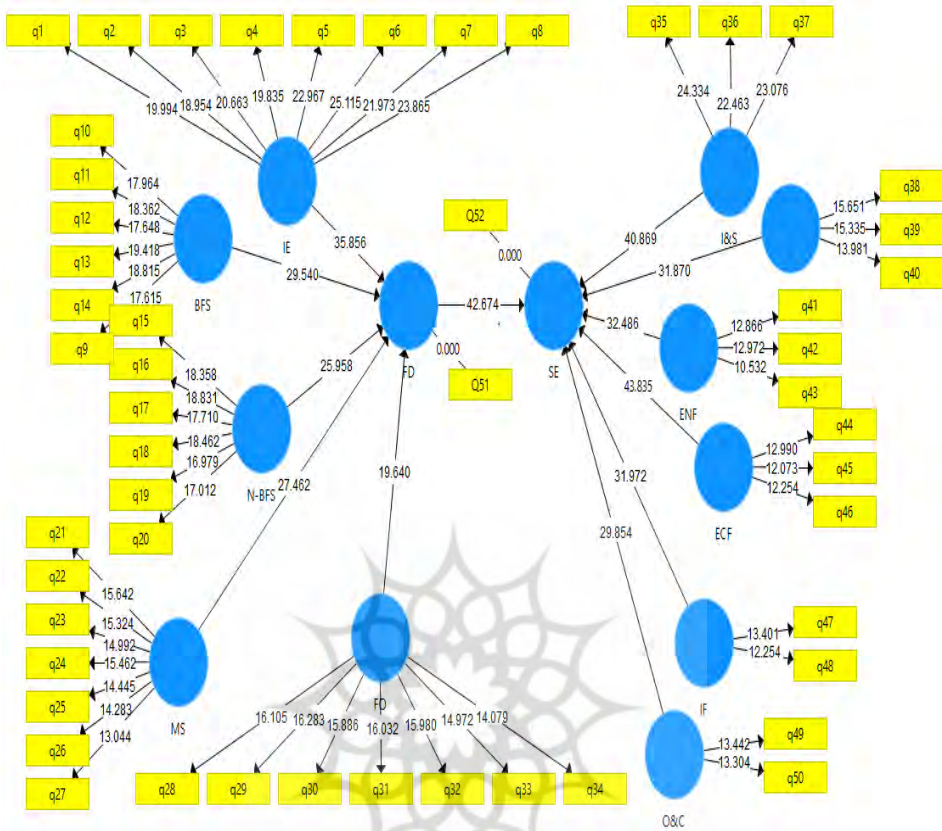
مدل‌یابی معادلات ساختاری و تکنیک‌های زیر مجموعه از جمله تحلیل عامل تأییدی و تحلیل مسیر به خانواده‌ای از فرآیندهای آماری قوی به‌شمار می‌رود که پژوهشگران علوم انسانی از آن برای آزمون روابط پیچیده بین متغیرهای انسانی استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های تحلیل داده‌های آماری، تحلیل مسیر است که بیشتر با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام می‌گیرد. این روش برای آزمون مدل‌های علی به کار گرفته می‌شود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است و در واقع علیت را نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند بدانیم چه می‌خواهیم بگوئیم. وانگهی تحلیل مسیر، شکلی از تحلیل رگرسیون کاربردی است که در آن برای هدایت کردن مسئله با آزمون فرضیه‌های پیچیده، از نمودار مسیر استفاده می‌شود. تحلیل مسیر یکی از چندین آزمون آماری است که تحت عنوان مدل معادلات ساختاری شناخته شده‌اند. این روش امکان آزمون روابط علی بین دو یا چند متغیر را فراهم می‌آورد، که ممکن است به صورت مستقل، وابسته، گسسته یا پیوسته، پنهان یا آشکار و یا هر دو در یک معادله خطی به کار روند. تحلیل مسیر معمولاً در تحقیقات اکتشافی و آزمون‌های نظریه ثانویه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک محقق می‌تواند مجموعه داده‌ها را برای بررسی روابط غیر قابل پیش‌بینی

بین متغیرها آزمون کند، خواه مستقیم باشد، خواه غیر مستقیم؛ بدین وسیله مدل‌های مختلف، مناسب‌ترین مدل را به دست آورد. همچنین می‌تواند نظریه‌ها را به وسیله برقراری ارتباط پیش‌بینی شده یا مورد شک آزمون کند و از این راه مناسب‌ترین مدل را کسب کند.

نرم افزار مورد استفاده برای تحلیل روابط در این پژوهش؛ SMART-PLS است. این نرم افزار مدل‌های معادلات ساختاری را که دارای چندین متغیر بوده و اثرات مستقیم، غیر مستقیم و تعاملی را شامل می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌دهد. این نرم افزار برای آزمون تأثیر تعدیل‌کنندگی، نرم افزار مناسبی است. اسپوسیتو وینزی و همکارانش (۲۰۱۰) عنوان کردند که مدل‌های مسیر PLS در دو مرحله تخمین زده می‌شوند. مرحله اول نمره متغیرهای پنهان برای هر متغیر پنهان تخمین زده می‌شوند و در مرحله دوم نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای نهفته بسته به وضعیت آنها در مدل مسیر بررسی می‌گردد (اشکال شماره ۴ و ۵).



شکل شماره (۴) تحلیل مسیر
منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره (۵) آزمون t

منبع: یافته های پژوهش

مطابق نمودارهای فوق می توان عنوان کرد که قراردادهای بازار سرمایه بر روی توسعه و ارتقاء امنیت اقتصادی با توجه به ضریب مسیر ۰/۸۵۱ و آزمون t، ۴۲/۶۷۴ ارتباط مثبت و معنی دار و قوی دارد. همین طور محیط نهادی و بخش پولی رابطه معنی دار و قوی بر متغیر امنیت اقتصادی دارد و متغیرهای بخش اقتصادی بانکی و بخش اقتصادی بازار سرمایه و باز بودن بخش اقتصادی ارتباط متوسطی بر متغیر توسعه اقتصادی دارد. عوامل حاکمیتی و شاخص های مالی و اقتصادی و عوامل نوآورانه ارتباط قوی و مثبت و معناداری بر روی قراردادهای بازار سرمایه دارد و عوامل سازمانی و عوامل اجتماعی رابطه متوسطی، مثبت و معناداری بر روی قراردادهای بازار دارند.

برای تأیید روایی ابزار اندازه گیری از دو نوع روایی ارزیابی تحت عنوان روایی محتوی، روایی همگرا استفاده شده است. روایی محتوی به وسیله اطمینان از سازگاری بین شاخص های اندازه گیری و ادبیات موجود ایجاد شده و این روایی توسط نظر سنجی از اساتید حاصل گشت. روایی همگرا به این اصل بر می گردد که شاخص های هر

سازه با یکدیگر همبستگی میانه‌ای داشته باشند. طبق گفته (فارنول و لارکر^۱، ۱۹۸۱)، معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس‌های خروجی بیشتر از ۰/۵ باشد. همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی پرسشنامه از دو معیار (ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب) بر طبق نظر (فارنول و لارکر، ۱۹۸۱) استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها در این پژوهش از حداقل مقدار (۰/۷) بیشتر بود، پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به‌طور ضمنی فرض می‌کند هر شاخص وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است، بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می‌دهد. پایایی مرکب باید مقداری بیش از ۰/۷ را به دست آورد تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل توسط نرم افزار می توان نتیجه گرفت که

- عوامل حاکمیتی بر حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.
 - عوامل سازمانی بر قرارداد در بازار سرمایه تأثیر مثبت دارد. عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه بر قرارداد در بازار سرمایه تأثیر معناداری دارد.
 - شاخص‌های مالی و اقتصادی بازار سرمایه بر قرارداد در بازار سرمایه تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.
 - شفافیت قراردادهای بازار سرمایه بر قرارداد در بازار سرمایه تأثیر مثبت و معناداری دارد.
 - عوامل اجتماعی بر قرارداد در بازار سرمایه تأثیر معناداری دارد.
 - قراردادهای بازار سرمایه بر حفظ، توسعه و امنیت قرارداد تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.
- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل حاکمیتی بیشترین تأثیرگذاری را بر قراردادهای بازار سرمایه دارد. مؤلفه‌های عوامل سازمانی و شرکتی و عوامل اقتصادی و عوامل نوآورانه هر سه بر یکدیگر تأثیرگذاری متقابل دارند و هر سه این مؤلفه‌ها تحت تأثیر عوامل حاکمیتی بوده و بر روی عوامل اجتماعی تأثیر گذار می‌باشد. با توجه به تحلیل MICMAC صورت گرفته، متغیرهای عوامل اجتماعی و شفافیت بازار جز متغیرهای وابسته و عوامل سازمانی، عوامل اقتصادی و نوآورانه جز متغیرهای رابط و عوامل محیطی یک عامل مستقل شناسایی شده است

مؤلفه «عوامل حاکمیتی» شامل متغیرهایی چون تخصیص منابع مطلوب دولت، قوانین دولتی پویا متناسب با تغییر شرایط، خطمشی راهبردی دولت در رفع ابهام قراردادها، اعمال قوانین از سوی مقامات عمومی، دسترسی به نهاد قضایی و مطابقت قوانین با هنجارها و استانداردهای حقوق بشری می‌باشد. در واقع این متغیرها، قراردادهای بازار سرمایه را بهبود می‌بخشند. انعطاف‌پذیری در برنامه راهبردی به معنی قابلیت تغییر برنامه راهبردی به هنگام ظهور تهدیدها و فرصت‌هاست. کاوش محیطی به‌عنوان یک اقدام مدیریتی برای آگاهی یافتن از رویدادها و روندهای موجود در محیط سازمان است. در بازار سرمایه، موفقیت بستن قراردادها به میزان قابل توجهی به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات مناسب و استفاده از آن در برنامه‌ریزی راهبردی، بستگی دارد. با توجه به اینکه سازمان‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب و با ارزش به محیط متکی هستند، محیط

¹ Fornell & Larcker

خارجی سازمان ممکن است مشکلات یا فرصتهایی را برای قراردادهای بازار سرمایه به همراه داشته باشد. مؤلفه «عوامل حاکمیتی» شامل متغیرهایی چون شاخص فساد، حاکمیت نظم و قانون، ثبات سیاسی، حق اظهار نظر و پاسخگویی، میزان بروکراسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حقوق مالکیت پایدار است. در واقع این متغیرها در تصمیمات فعالان بازار سرمایه بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند نقش بسزایی در تصمیم‌گیری آنان داشته باشد. اقتصاددانان مالی معتقدند کیفیت عوامل حاکمیتی می‌تواند بر تحفظ و توسعه اقتصادی اثرگذار باشد. به اعتقاد آنان، در غیاب یک چارچوب قانونی دقیق به‌دلیل فقدان اعتماد سپرده‌گذاران، توانایی بازارهای مالی برای تجهیز منابع تضعیف می‌شود. این منجر به انتقال وجوه به خارج شده و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری داخلی دریغ می‌گردد. در واقع می‌توان بیان نمود کیفیت نامناسب منجر به تضعیف بازارهای اقتصادی شده و به‌دنبال آن رشد اقتصادی را مختل می‌کند. لذا به نظر می‌رسد عملکردهای دولتی و ویژگی‌های کشورها به منظور توصیه‌ی سیاسی مناسب برای ارتقا سطح امنیت اقتصادی باید تحلیل گردد. نادیده گرفتن شرایط نهادی به معنای نادیده گرفتن واقعیات اقتصادی و جامعه‌شناختی کشورهاست و توصیه‌ی سیاستی برای ارتقا اقتصاد نادقیق بوده و ممکن است حتی اثر منفی بر آن داشته باشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

مطابق یافته‌های پژوهش از دیدگاه خبرگان؛ عوامل حاکمیتی و محیط نهادی بیشترین تأثیرگذاری را در تصمیم‌گیری برای بستن قراردادهای بازار سرمایه دارند. به صورت کلی می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مدیریت و راهبردی مؤثر و اثربخش عناصر درونی قراردادهای بازار سرمایه به‌عنوان یک چالش جدید و بلکه یک معضل اساسی پیش روی امنیت اقتصادی قرار دارد. شاید به جرئت بتوان گفت غلبه بر این مشکلات و حل این چالش‌ها تا حدود زیادی به کم و کیف تصمیمات مخصوصاً تصمیمات حاکمیتی مربوط است. آنچه از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت این است که اصلاح یا تحول در نظام تأمین و تخصیص منابع اقتصادی و تصمیمات حاکمیتی به‌عنوان ابزار مهم در ارتقای سطح قراردادهای بازار و در نهایت، حفظ امنیت و رشدی اقتصادی کشور به شمار می‌آید. مفهوم قرارداد در گذشته مبتنی بر اراده آزاد طرفین قرارداد بوده است که شرایط و ضوابط حاکم بر رابطه حقوقی توسط اراده آزاد طرفین قرارداد معین می‌گردید. اما این مفهوم در دو سده اخیر دستخوش تحولات بزرگی شده است و رفته رفته با ظهور نظریات جدیدتر و ایجاد دولت‌های سوسیالیستی دچار تغییر و تحول گردید. امروزه این آزادی اراده یکی از جلوه‌های حق اشخاص بر داشتن آزادی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته می‌شود. بدین‌صورت که نهادهای مقررات‌گذار به بهانه مصالح عمومی و حفظ منفعت اجتماعی، اقدام به مقید و محدود نمودن اصل آزادی اراده اشخاص می‌نمایند. این موضوع منجر به نوع جدید دخالت دولت در روابط میان اشخاص حقوق خصوصی گردیده است. نتیجه این دخالت چیزی جز تضییع اصل آزادی اراده اشخاص، از بین رفتن اعتماد و اطمینان میان اشخاص حقوق خصوصی و به تبع آن کاهش امنیت اقتصادی در جامعه نیست. شایان ذکر است که امروزه از امنیت اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل زوال و ثبات دولت‌ها سخن به

میان می‌آید. به‌همین منظور این پژوهش به منظور پاسخ به تعارض موجود میان اصل آزادی اراده اشخاص (آزادی قراردادی در حقوق خصوصی) و ضرورت دخالت نهادهای نظارتی در روابط اقتصادی مطرح گردید. در این پژوهش سعی بر آن شد که مفهوم بازار سرمایه و تحولات حقوقی و قانونی آن به تفصیل بررسی گردد و بازتعریفی از دو مفهوم عمومی و خصوصی در حقوق و اقتصاد در نظام‌های اقتصادی لیبرالیستی و سوسیالیستی ارائه گردد و نهادهای مقررات‌گذار در بازار سرمایه و ضمانت اجرای تخلف از این مقررات به‌صورت واضح تبیین گردند. در نهایت اصول و پارامترهای پنجگانه‌ای که تأثیر مستقیم بر امنیت اقتصادی دارند، بدست آمد که عبارتند از شفافیت، تنظیم‌گری و دخالت دولت، حاکمیت قانون، کارآمدی نظام قضایی و قابلیت نوآوری در قرارداد (حاکمیت اراده اشخاص در قرارداد).

اصول و پارامترهای پنجگانه مذکور به‌عنوان متغیرهای مستقل در تناظر با متغیر وابسته‌ای تحت عنوان «کارایی قرارداد بازار سرمایه به‌منظور افزایش امنیت اقتصادی» مورد بررسی قرار گرفتند. هدف غایی از سیر و جستجو در متغیرهای مستقل این است که تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته یعنی حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی در بازار سرمایه بدست آید تا نتیجه‌گیری منطقی و کاربردی از آن حاصل شود.

محققان و فعالان بازار سرمایه عامل دخالت دولت را عامل مهمی در افزایش امنیت اقتصادی به حساب می‌آورند. به‌عبارت‌دیگر، نه‌تنها دخالت دولت عامل مهمی به حساب می‌آید، بلکه هرچه تأثیر این متغیر مستقل زیادتر شود و نقش پررنگ‌تری در تنظیم قراردادهای بازار سرمایه داشته باشد، حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی در بازار سرمایه با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شود. در نهایت بازاری که این متغیر، در آن ریشه‌دارتر شود، بیش از پیش رو به سوی نزول و افول گام برمی‌دارد.

در آخر نتایج حاصل از پرسشنامه و تحقیقات میدانی به همراه نظرسنجی، نظریه بالا را تأیید کرد. بنابراین هر اندازه قوانین و مقررات حاکم بر قراردادها و مفاد آن‌ها به اراده فعالان بازار سرمایه نزدیک‌تر باشد، امنیت اقتصادی و کارایی قراردادی در نظام بازار سرمایه بالاتر خواهد رفت. دخالت مداوم دولت و قانون‌گذاری بی‌رویه از سوی دولت سبب مخدوش شدن متغیرهای مستقلی می‌شود که تأثیر مثبتی روی قراردادهای بازار سرمایه می‌گذارند به‌نحوی که از نظر اقتصادی، سیر بازار به سمت نزولی پیش می‌رود. از طرف دیگر همانطور که استدلال گردید، دخالت بیش از پیش دولت در قوانین حاکم بر قراردادهای بازار سرمایه موجب سردرگمی فعالان بازار سرمایه می‌گردد و سیر رو به افول این بازار را با خدشه به امنیت اقتصادی تسریع می‌بخشد.

با دخالت بی‌رویه دولت و سردرگمی فعالان بازار سرمایه، این بازار با بحران از دست دادن اصلی‌ترین جزء، یعنی اعتماد فعالان و سرمایه‌گذاران خود، رو به نابودی می‌رود. بنابراین باید رضایت و منطق فعالان بازار سرمایه را که به نحوی به اراده این دسته تعبیر می‌شود، جدی‌ترین اصل در راستای حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی بازار سرمایه در نظر گرفت. با دخالت دادن حاکمیت اراده فعالان این بازار در قراردادهای بازار سرمایه می‌توان از این سقوط جلوگیری کرد.

به منظور روشن ساختن اهمیت تأثیر و حاکمیت اصلی اراده فعالان بازار لازم است به سردرگمی آن‌ها در صورت پررنگ شدن فاکتور دخالت و قانون‌گذاری بی‌رویه دولت اشاره نمود. هر سرمایه‌گذاری هنگام ورود به بازار سرمایه در ابتدا ریسک و عوامل شکست خود را در نظر می‌گیرد و پس از سنجیدن این عوامل دست به تصمیم

نهایی می‌زند. بدین طریق که یک سرمایه‌گذار در بدو ورود به بررسی این نکته می‌پردازد که نظام حل اختلاف و قوانین حاکم بر آن در صورت نیاز و پس از ورود او به بازار سرمایه، چگونه خواهد بود. آیا این قوانین متناسب با نوع فعالیت او خواهد بود یا خیر و بسیاری سؤالات دیگر از این قبیل که سرمایه‌گذار پیش از ورود باید به همه آن‌ها بپردازد. بنابراین اگر دولت بخواهد نقش قانون‌گذاری خود را به صورت مستمر حفظ نماید، سرمایه‌گذار نمی‌تواند برآورد و ارزیابی درستی از زمان و قوانین حاکم بر حل اختلاف داشته باشد. در نتیجه، تصمیم‌گیری با ریسک بالا و ورود به بازار سرمایه را کنار می‌گذارد و بدین طریق رفته رفته بازار سرمایه، فعالان کلیدی خود را از دست می‌دهد.

لذا کاهش دخالت دولت و اجازه ابتکار عمل بیشتر به بخش خصوصی و اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در تنظیم و اصلاح قوانین در قراردادهای بازار سرمایه منجر به حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی در این حوزه خواهد شد. بدین منظور می‌بایست تلاش نمود دخالت دولت، از طریق قانون‌گذاری در بازار سرمایه کاهش یابد و به جای آن عوامل تأثیرگذار مثبت از جمله شفافیت، حاکمیت قانون، امنیت و کارآمدی نظام قضایی و بخشیدن قابلیت نوآوری قراردادی با فراهم آوردن عرصه برای دخالت اراده‌ی فعالان بر قراردادهای بازار سرمایه تقویت شود.

در آخر نیز سعی بر آن شد که ضمن بررسی اصول کلی حاکم بر قراردادهای بازار سرمایه، اصولی پیشنهادی که می‌تواند یارای نهاد ناظر در مقررات‌گذاری باشد، ارائه گردد. این اصول عبارتند از اصل شفافیت، اصل حاکمیت قانون، اصل عدم ایراد ضرر به سهامداران و منافع عمومی، اصل لزوم غیر صوری بودن قراردادهای مالی و اصل عدالت و انصاف در قراردادهای بازار سرمایه. این اصول به منظور تعدیل رابطه حقوقی میان اشخاص حقوقی خصوصی و نهاد مقررات‌گذار ارائه گردیده است تا بتوان تعارض موجود میان مداخله دولت و اصل آزادی اراده اشخاص را تعدیل نمود. در صورت رعایت این اصول می‌توان گفت که اصل آزادی اراده اشخاص و حقوق آن‌ها در قراردادهای بازار سرمایه حفظ می‌شود و ارتقا می‌یابد و با افزایش اعتماد فعالان و احساس امنیت اقتصادی بیشتر، شاهد رشد و تقویت بازار سرمایه و حضور فعالان اقتصادی در آن خواهیم بود.

۵-۲. پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاداتی به شرح زیر مبتنی بر مراحل مختلف پژوهش ارائه می‌گردد:
- نهادهای حاکمیتی در بازار سرمایه لازم است به نقش نظارتی خود بیافزایند این نقش مبتنی بر یافته‌ها باید متفاوت از مسأله دخالت دولت یا نهادهای حاکمیتی باشد. در واقع ایجاد سازوکار نظارتی بدون القاء حس دخالت دولت در فرآیند سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه اولین پیشنهاد این مقاله است.
 - ایجاد سازوکارهای نظارتی مشخص و منسجم مانند تغییر در ساختار ارائه اطلاعات و ارتقاء شفافیت، ایجاد رویه‌های دانش‌افزایی جهت فعالان بازار سرمایه و نظام برخط اطلاع‌رسانی با استفاده از روش‌های روزآمد، می‌تواند نقش نظارتی حاکمیت را بیشتر و بهتر نشان دهد
 - ایجاد رویه‌های محدودکننده برای مشارکت مستقیم شهروندان به جای دعوت از آنها جهت سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه نیز از دیگر پیشنهادات این پژوهش است. در واقع ایجاد لایه‌های تخصصی

و زمان‌مند جهت ورود یک شهروند به بازار سرمایه منجر به مشارکت آگاهانه و در نتیجه حفظ و ارتقاء امنیت خواهد شد.

- ایجاد رویه‌های شفاف در سطوح مختلف قرارداد نیز از پیشنهادات این پژوهش است. در واقع پیچیدگی قراردادها در یک سطح، ناشی از ذات الفاظ حقوقی است اما در نظام سرمایه‌گذاری ایران اضافه شدن عبارات نامفهوم فقهی ناشی از دخالت شورای فقهی بورس و ایجاد قراردادهای منبعث از فقه، عدم شفافیت را به سطحی رسانده که گاهاً حقوق‌دانان نیز از درک عبارات آن عاجزند. لذا پیشنهاد می‌شود با تعدیل دخالت فقه در قراردادهای بازار سرمایه عبارت قرارداد استانداردسازی مطابق با رویه سایر بازارهای سرمایه در جهان باشد.

- ایجاد رویه ارتباط با نخبگان بازار سرمایه، حقوق‌دانان فعال در حوزه حقوق اقتصادی، نهادهای فعال در بازار سرمایه مانند انجمن کارگزاران بورسی یا شرکت‌های درآمد حوزه‌ی بازار سرمایه در زمینه سیدگردانی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر و ... می‌تواند منجر به تغییرات شگرفی در ساختار قراردادهای بازار سرمایه شده و با شکستن ایستایی این قراردادها و اصلاح به‌موقع آن زمینه ارتقاء امنیت اقتصادی را فراهم آورد.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- امرالله، سیف (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی، *آفاق امنیت*، دوره ۳، شماره ۹، ص ۷-۳۷.
- تقی زاده، ابراهیم و احمدی، افشین (۱۳۹۴). جایگاه شروط غیرمنصفانه در حقوق ایران با نگاهی به ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۹-۴۲.
- حامدی، میثم و فرهانیان، محمدجواد (۱۳۹۴). *تنظیم و نظارت در بازارهای مالی: اتحادیه اروپا، آمریکا، انگلیس و آلمان*، تهران: مؤسسه انتشاراتی نوای مدرسه، شرکت بورس اوراق بهادار تهران.
- درخشانی، علی اکبر (۱۳۵۷). نهادهای حقوقی را با یکدیگر و با مقتضیات زمان هم آهنگ کنیم، *مجله کانون وکلای*، شماره ۱۴۲، ص ۳۰-۵۵.
- زارع، مهدی و مرادی، حسین (۱۳۹۵). *امنیت اقتصادی و اهمیت آن*، همایش ملی شرکت‌های دانش‌بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه کشور، تهران.
- صادقی، محسن (۱۳۸۳). توجیه حقوقی قرارداد ارفاقی و پیمان دسته‌جمعی کار با توجه به اصل نسبی بودن اثر قراردادهای، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۳۲ و ۳۳، ص ۵۵-۸۴.
- صحرایان، لیل و خسروی نیا، بابک (۱۳۹۹). *اصل آزادی اراده در انعقاد عقد در فقه، حقوق ایران و فرانسه*، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز.
- شهبایی، عباس و سعید محمدی، صادق (۱۳۹۵). *امنیت اقتصادی از دیدگاه حقوق*، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، تهران.
- خوئینی، غفور؛ شمس‌اللهی، عطیه و ذوالفقاری، سهیل (۱۳۹۲). تعدیل قضایی قرارداد در اثر کاهش ارزش پول، *فصلنامه پژوهشی حقوق خصوصی*، دوره ۲، شماره ۴، ص ۱۱۱-۱۳۹.
- عطوفی، غلامرضا و جاویدان داروگر، حمیدرضا (۱۳۹۵). اهمیت و جایگاه امنیت اقتصادی در توسعه پایدار، *پژوهش ملل*، دوره ۱، شماره ۶، ص ۱۴-۲۳.
- قاسمی، منصوره (۱۳۹۵). *بررسی شاخص‌های قضایی و حقوقی امنیت اقتصادی*، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، تهران.
- قافی، حسین (۱۳۸۳). ماهیت و میزان اعتبار قرارداد الحاقی در حقوق اسلامی، *فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۶۱-۸۸.
- لطفی، حسین (۱۳۹۷). کارایی اقتصادی و دخالت دولت در قراردادهای، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، دوره ۳، شماره ۸۱، ص ۱۳۹-۱۶۶.
- ناصر، کاتوزیان (۱۳۹۵). *قانون مدنی در نظم حقوق کنونی*، تهران: نشر میزان.

منابع لاتین

- Avgouleas, E. (2012). *Governance of Global Financial Markets: The Law, the Economics, the Politics*, Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1986). *The Forms of Capital*, Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education Westport, CT: Greenwood.
- Chohle, K. (1998). *entrepreneurship origin: a longitudinal in aquiry*, Hunting ton Beach.
- Fornell , C., & Larcker, D. F. (1981) *Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics*
- Jensonn B. & Aline, S. (1996). *measuring entrepreneurship over time*, *Journal of Business venturing*, 10(2), 283-301.
- Madura, J.(2010). *Financial Institutions and Markets*, Florida Atlantic University, 9th Edition.
- Vincenzo E. V., Laura ,T., & Silvano, A. (2010). *PLS Path Modeling: From Foundations to Recent Developments and Open Issues for Model Assessment and Improvement*, University of Naples Federico II, 47-82.
- Ziemer, j. (2006). *A more complete conceptual framework for SME finance*, *Journal of International Management*, 11(2), 293- 310.



The Current Status and Functionality of Capital Market Contracts in Maintaining and Promoting Economic Security

Mohamad Reza Pendashtehpour^{1*}
Mohamad Chalabi²

Abstract

Capital markets which constitute one of most important financial mechanisms of every economy are composed of both private and public dimensions. On the one hand, these markets are private in the sense that private individuals in society can actively engage in trade on them, and on the other, they have a public dimension since they directly affect the overall economic order. The public aspect of these markets, because of its reliance on contracting mechanisms in general, and capital market contracts in particular, brings public security concerns in this field to the fore. The interventions of successive governments in the capital market, privatization policies, financial crises, sanctions as well as, the growing economic knowledge among various social strata, has added new dimensions to the traditional concept of security to include such things as economic security, Legal security, judicial security, etc. The aim of the present study is to present an efficient contracting model for capital markets that is effective in maintaining and promoting economic security.

The methodology of the paper proceeds in three stages. It first uses the Meta Composition Method to identify the variables influencing capital market contracts. Subsequently, it draws on the Content Analysis Method to identify the variables that affect the development and maintenance of economic security and presents them via Structural Equations to obtain a quantitative model. Finally, it utilizes the Interpretive Structural Modeling Method to develop a model of the variables influencing capital market contracts, in terms of its development and the maintenance of economic security. The quantitative data was gathered was through interviews with managers and experts with experience in the field of capital market. Based on the results obtained, components such as organizational factors, economic factors, and innovation influence capital market contracts. Furthermore, these three components, in addition to having a mutual effect on one another, are influenced by governance.

Keywords: Economic security; contract; Capital Market; Structural equation; Ultracombination.

¹ PhD in Private Law, Faculty of Law (Farabi Campus), University of Tehran, Qom, Iran. Corresponding Author. (Pendashtehpour@ut.ac.ir)

² PhD student in International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (mchalabi110@gmail.com)